

# تمایز بین نظامیان و غیر نظامیان در مخاصمات مسلحانه بین المللی و

## تطبيق باقانون ارتش جمهوری اسلامی ایران

به قلم: علیرضا ظاهری

دانشجوی دکتری حقوق بین الملل

### قسمت اول

#### مقدمه:

در آغاز تدوین مقررات جنگی، معاهدات بین المللی عمدتاً به رفتار با نظامیان مربوط می شد تا رفتار با غیر نظامیان، کنوانسیون ۱۸۶۴ ژنو در مورد مجروحین فقط اشاره کوچکی به غیر نظامیان دارد. کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ لاهه (مقررات منضم در خصوص قوانین و عرفهای جنگ زمینی) حمایت هایی را در مورد غیر نظامیان بیان می داشت از جمله حمله به مکانهای بی پناه در ماده ۲۵، ممنوعیت غارت در ماده ۲۸ و تعریف حقوق مربوط به اشغال نظامی در مواد ۴۲ تا ۵۶ علی الخصوص در ماده ۴۶ که بیان می دارد «حقوق و شرافت خانوادگی، زندگی افراد و اموال خصوصی و همچنین اعتقادات و مراسم مذهبی باید مورد احترام باشند». در ماده ۵۰ نیز از جمعیت غیر نظامی در مقابل اعمال مجازاتهای دسته جمعی بخاطر اعمال افرادی که مسؤولیت آن منتسب به جمع نمی شود حمایت می کند.<sup>(۱)</sup>

لیکن تجربیات جنگ جهانی اول عدم کفایت این مقررات را نشان داد، توسعه تکنولوژیکی سلاحها و محدوده توسعه یافته اقدامات نظامی با استفاده از این سلاحها نشان داد که غیر نظامیان دیگر نمی توانند خارج از مخاصمات تصور شوند و در حقیقت متحمل همان خطرات یا خطرانی بیشتر از نظامیان هستند.

جنگ جهانی دوم آثار زیانباری برای افراد غیر نظامی داشت به طوری که تلفات آن نسل های زیادی را دربر گرفت. در طول این جنگ خانمان سوز، تقریباً ۲۴ میلیون غیر نظامی هلاک شدند و از جنگ جهانی دوم به بعد هم میزان تلفات غیر نظامیان در سایر جنگها به حدود هشتاد درصد رسیده است.

با توجه به همین ملاحظات بود که جامعه بین المللی تشویق به اعمال حقوق بشردوستانه نسبت به غیر نظامیان و تنظیم مقرراتی برای حمایت از آنان شد. چون وضعیت نظامیان در طول جنگ و حمایت از

آنان در وضعیت های مختلف از ابتدا مورد نظر معاهدات حقوق جنگ بود.

کنوانسیون چهارم ۱۹۴۹ میلادی لاهه در خصوص حمایت از غیر نظامیان در زمان جنگ، اولین موافقت نامه بین المللی است که به طور خاص به تنظیم این گونه حمایتها می پردازد. این کنوانسیون که بزرگترین کنوانسیون در بین کنوانسیونهای چهارگانه است اساساً به رفتار غیر نظامیان در دست دشمن (خواه در سرزمین مورد تصرف و خواه در توقیف) مربوط است که مقررات آن تا حد زیادی به وسیله پروتکل اول ۱۹۷۷ ژنو منضم به کنوانسیونهای چهارگانه تکمیل شده است.

برای نیل به اهداف فوق یعنی حمایت از غیر نظامیان در مقابل آثار عملیات نظامی و یا حمایت از آنان در طول دوره اشغال نظامی، لازم است که میان این دو دسته - بر اساس ضوابط و ملاکهای آنها - تفکیک و تمایز قائل شویم.

هریک از استاد مربوط به این دو تا حد

ممکن به این مهم پرداخته و ملاک‌هایی برای تشخیص ارائه می‌دهند که در این مقاله به

مفصل دیگری می‌باشد.

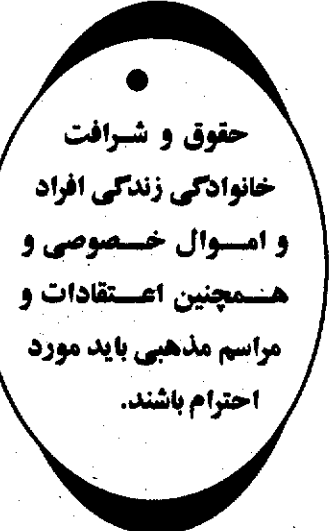
## فصل اول:

### رزمندگان

زمینه مقدماتی: حقوق بین‌الملل در مورد اشخاصی که در مخاصمات مسلحانه شرکت می‌کنند و با آن متأثر می‌شوند، میان نظامیان و غیرنظامیان تمایز قائل است. این تمایز وضعیت حقوقی این دودسته را در صورت بروز یک مخاصمه مسلحانه مشخص می‌سازد. این وضعیت اولیه، مشخص کننده ۳ نکته مهم در رابطه با این افراد است:

- ۱- وضعیت ثانویه آنها را مشخص می‌کند
- ۲- حمایت‌های اعطایی به آنها را تعیین می‌کند

بررسی آنها می‌پردازیم. لیکن ذکر نکته‌ای قبل از ورود به بحث، ضروری است. ماده ۵۰ پروتکل اول منضم در تعریف غیرنظامیان و جمعیت غیرنظامی بیان می‌دارد: «یک غیرنظامی کسی است که متعلق به یکی از دسته بندی‌های اشخاص اشاره شده در پاراگراف‌های ۶، ۳، ۲، ۱ قسمت الف ماده ۴ کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ میلادی و ماده ۴۳ این پروتکل می‌باشد» بنابراین غیرنظامیان را تعریف ننموده بلکه نظامیان را تعریف نموده و هرکس که در محدوده نظامیان نگنجد یک غیرنظامی است. در این باره نیز آن چنان که تصور می‌رود موضوع به دو بحث کلی نظامیان و غیرنظامیان تقسیم نمی‌شود. بلکه موضوع تحت دو فصل کلی رزمندگان و غیررزمندگان که از تقسیمات اساسی نظامیان می‌باشد ارائه می‌گردد و پس از اتمام بحث خود بخود وضعیت غیرنظامان نیز مشخص گردیده و افرادی که در این دسته بندی‌ها جای بگیرند غیرنظامی خواهند بود لیکن بحث از غیرنظامیان در طول جنگ اساساً شامل حمایت‌های اعطایی به آنان در طول مخاصمات یا در زمان توقیف و یا اشغال نظامی خواهد بود که خود موضوع بحث



### نظامیان در

محدوده تعیین شده به

وسیله حقوق بین‌الملل

می‌توانند بجنگند یعنی

اجازه مشارکت مستقیم

در مخاصمات را دارا

می‌باشند.

۳- نتایج حقوقی اعمال آنان رایان می‌کند. (۲) وضعیت اولیه افراد در یک مخاصمه مسلمانان بین‌المللی ابتدائاً به وسیله حقوق بین‌الملل مجری در مخاصمات مسلحانه سپس به وسیله حقوق داخلی - در چارچوب تعیین شده به وسیله حقوق بین‌الملل - و در مواردی نیز به وسیله اقدامات اداری تعیین می‌گردد. نظامیان در محدوده تعیین شده به وسیله حقوق بین‌الملل می‌توانند بجنگند یعنی اجازه مشارکت مستقیم در مخاصمات را

فصل دوم

درجه مافی از سن ۲

فصل ماه

چه سن ۲

فصل سن

کجا رسیدید که پدر این جوان مردا

فصل جای

در خانه کی؟ عرضش چه بود؟ چند روز

بیمار بود؟ در چه روزی مرده است؟ کی او را

کفن و دفن کرد؟ باره کفنش چه بود؟

کجا بر جنازه گذارد؟ که او را دفن فرمایند.

چون با او می‌کنند شد. تغییر گفت، مردم

همگی با او تغییر کردند.

کجا آن جگر که مدتی تکرار او را شنیدند

با او کردند و در همان تکرار کرده است.

سرویس‌دهنده گناه را بسته به زندگیش

برده، دیگری را طردستند و سرویس‌دهنده را

با خود بردند و به او گفت: کجا می‌کنید نمی‌دانم

چه کرده‌اند؟

آن مرد گفت: به خدا من یکی از پنج نفر

بودم و به کشتنش مایل نبودم.

یک یک را می‌کشید، همگی به کشتن و بردن

او را می‌توانستند کردند زندگیش را آوردند، او

بسیار مبارک کرد. صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر او نازل

گشت و او را مال مجبور کرد. شایسته که به پایان رسید

تدریج پرسید دشمنان داود چه بوده است؟

علی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم داود علیه‌السلام در کربلا

به چه‌هایی که بازی می‌کردند، برهورد، دید

یکی از آنان زمامت شدین (دین مرده است)

می‌دانند.

داود او را صدا زد و پرسید: چه نام داری؟

حاجت‌المین

کجا آنرا به این اسم نامیده است؟

دارا می‌باشند. البته به استثنای پرسنل درمانی و مذهبی که به موجب حقوق بین‌الملل ممنوع بوده همچنین غیر رزمندگان که به دلیل قانونگذاری داخلی فاقد این اجازه می‌باشند در حالی که غیرنظامیان نمی‌توانند در مخاصمه مشارکت مستقیم داشته باشند.

پس نیروهای مسلح یک طرف درگیر در

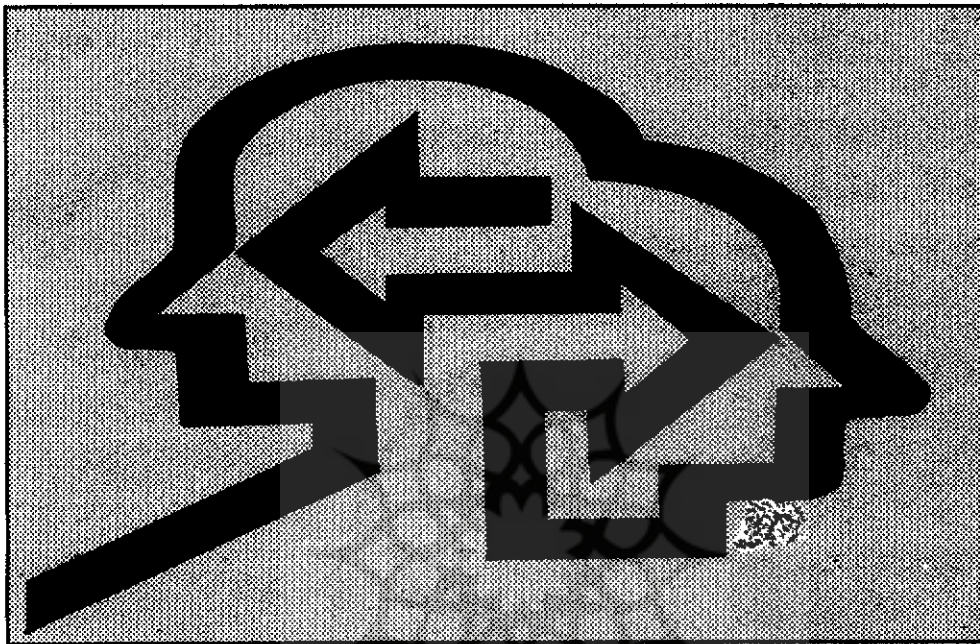
که متعلق به این ارگان خاص می‌باشند حق نبرد داشته و سایر افراد ممنوع از مداخله هستند.

ماده ۴۳ بیان می‌کند: «نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه شامل تمام نیروهای مسلح، گروه‌ها و واحدهای سازماندهی شده‌ای می‌باشند که تحت فرمانی بوده که در مقابل

اعمال زیردستان است ۲- نشان ثابت متمایزی داشته باشند که با فاصله قابل تشخیص باشد ۳- آشکارا سلاح حمل کنند ۴- عملیات خود را منطبق بر قواعد و عزمهای جنگ کنند.»

در کشورهایی که میلیشیاها و دسته‌های داوطلب نیروهای مسلح و یا بخشی از آن را

مخاصمه شامل رزمندگان و غیررزمندگان می‌شود. (البته باید توجه داشت که وضعیت اولیه افراد درک مخاصمه مسلحانه



تشکیل می‌دهد آنها در محدوده تعریف نیروهای مسلح می‌گنجد. ماده ۴ کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ میلادی بیان می‌کند: «الف- زندانیان

بین‌المللی تحت تقسیم‌بندی دوگانه نظامیان و غیرنظامیان قرار می‌گیرد و تقسیم آنان به رزمنده و غیر رزمنده با تقسیم‌بندی قبل در یک سطح قرار نمی‌گیرد و توصیف اعضای نیروهای مسلح به عنوان رزمنده یک قاعده بوده و تلقی آنها به عنوان یک غیر رزمنده استثناء می‌باشد. ماده ۳ پروتکل چهارم ۱۹۰۷ لاهه بیان می‌کند: «نیروهای مسلح طرفین مخاصم ممکن است شامل رزمندگان و غیر رزمندگان باشند، این نکته ناشی از این واقعیت است که دولت (یا طرف درگیر در مخاصمه که به عنوان تابع حقوق بین‌الملل شناخته شده است) در مواقع مخاصمه عملیات خود را تنها از طریق ارگان خاصی (نیروهای مسلح) هدایت می‌کند. تنها افرادی

مقام متبوع خود (دولت یا طرفی که به عنوان تابع حقوق بین‌الملل شناخته شده است) به خاطر اعمال زیردستانش مسئول است حتی اگر نماینده چنین طرفی دولت و یا مقامی باشد که توسط طرف مقابل به رسمیت شناخته شده باشد چنین نیروی مسلحی باید تابع یک سیستم انضباطی داخلی باشد که این سیستم به طور ضمنی مطابقت با قواعد حقوق بین‌الملل مجری در مخاصمات مسلحانه را لازم بدارد.»

ماده ۱ کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ میلادی بیان می‌کند: «قوانین، حقوق و وظایف جنگی نه تنها نسبت به نیروهای مسلح بلکه هم چنین نسبت به میلیشیاها و دسته‌های داوطلب که حائز شرایط زیر باشند اعمال می‌شود: ۱- تحت فرماندهی شخصی باشند که مسؤول

جنگی در محدوده این کنوانسیون، کسانی هستند که متعلق به یکی از دسته‌های زیر بوده و در دست دشمن اسیر شده‌اند:

۱- اعضای نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه هم چنین اعضای میلیشیاها و دسته‌های داوطلب که بخشی از چنین نیروهای مسلح را تشکیل می‌دهند.

۲- اعضای سایر میلیشیاها و اعضای سایر دسته‌های داوطلب، شامل اعضای جنبش‌های مقاومت سازمان یافته متعلق به یک طرف مخاصمه که در درون یا خارج سرزمین خود فعالیت می‌کند حتی اگر این سرزمین اشغال شده باشد مشروط بر این که چنین جنبش مقاومت سازمان یافته‌ای شرایط زیر را احراز کند:

الف - تحت فرمان شخصی باشند که  
مسئول زیردستانش است.  
ب - دارای نشان ثابت متمایزی باشند که

از بخش دوم پاراگراف اول ماده ۴۳ نیاید  
این گونه نتیجه گرفت که تنها میلیشیاها و دسته  
های داوطلب که بر طبق حقوق داخلی یک

● جنگ جهانی دوم آثار زیانباری برای افراد غیرنظامی داشت  
به طوری که تلفات آن نسل‌های زیادی را دربرگرفت. در طول این  
جنگ خانمان سوز، تقریباً ۲۴ میلیون غیرنظامی هلاک شدند و از  
جنگ جهان دوم به بعد هم میزان تلفات غیرنظامیان در سایر جنگها  
به حدود هشتاد درصد رسیده است.

از فاصله قابل تشخیص است.

پ - آشکارا سلاح حمل کنند.

ت - عملیات خود را منطبق بر حقوق و

عرفهای جنگ کنند.

نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه .

قاعده کلیدی در تعیین وضعیت یک

شخص به عنوان رزمنده در ماده ۴۳ پروتکل

اول منضم گنجانده شده که نیروهای مسلح را

تعریف و بیان می‌کند. اعضای نیروهای مسلح

(به استثنای پرسنل درمانی و مذهبی) رزمنده

هستند.

عبارت ماده ۴۳ پروتکل اول منضم واضح

است و نیازی به تفسیر بیشتر ندارد. بنابراین

بر اساس یک تعریف موسع، نیروهای مسلح

شامل تمام نیروهای مسلح در مفهوم مضیق،

گروهها و واحدهای سازمان دهی شده که

تحت فرمان بوده و مسؤولیت رفتار آنها

منتسب به طرف مخاصمه است می‌شود.

بنابراین تعریف، میلیشیاها و دسته‌های

داوطلب جزء نیروهای مسلح به شمار

می‌روند اگر تابع یک سیستم انضباطی داخلی

باشند که این سیستم قواعد حقوق بین‌الملل

مجری در مخاصمات مسلحانه را لازم بدارد

(پاراگراف ۱ ماده ۴۳ پروتکل اول منضم).<sup>(۳)</sup>

دولت، جزئی از نیروهای مسلح را تشکیل

می‌دهند در اصطلاح «نیروهای مسلح» در

مفهوم موسع جای می‌گیرند. لیکن حتی

میلیشیاها و دسته‌های داوطلب که در نیروهای

مسلح ادغام شده و یا قسمتی از آن را

تشکیل نمی‌دهند نیز جزء نیروهای مسلح در

مفهوم موسع خواهند بود و این نتیجه‌گیری

منطبق بر ماده ۱ کنوانسیون چهارم ۱۹۵۷ لاهه

در خصوص حقوق و عرفهای جنگ زمینی

می‌باشد که قبلاً بیان شد.

پاراگراف‌های ۱ و ۲ قسمت الف. ماده ۴

کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو مربوط به میلیشیاها و

دسته‌های داوطلبی می‌باشد که در نیروهای

مسلح یک طرف مخاصمه ادغام شده یا نشده

باشند و در کل بیان می‌کند که هر دوی آنها

زندانی جنگی تلقی می‌شوند.

از ظاهراین سه ماده به نظر می‌رسد که

اصطلاح «نیروهای مسلح» در دو معنای

متفاوت به کار رفته است. ماده ۴۳ نیروهای

مسلح را در معنای موسع خود و دو ماده بعد

نیروهای مسلح را در معنای مضیق خود به کار

برده‌اند به صورتی که شامل میلیشیاها و

دسته‌های داوطلب نمی‌شوند ولی از بررسی

دقیق این ۳ ماده مشخص می‌گردد که:

- پدرم -

داود نزد مادرتان رفته نام فرزندان

را پرسید.

زن گفت: مات الدین

- کن او را مات الدین نام گذاشت؟

- پدرش

داود علت را پرسید.

چندی قبل که این پسر را در شکم داشتم

پدرش با اتفاق چند کن به سفر رفته بود.

همراهانش برگشتند، ولی او برگشت. از

حالتن جويا شدم، گفتند: مرده است. اموالمن را

مطالبه کردم. گفتند: چیزی نداشته است گفتم

وصیتی نکرده است؟ گفتند: چون می‌دانست

او آبستنی وصیت کرد. فرزندان را پسر یا

دختر باشد مات الدین بنامی.

مستم سناجه وصیتش او را به این اسم

اسامیدم. داود گفت: همراهان شوهرت

نامی شناسی؟

زنده‌اند یا مرده؟

زنده‌اند.

مرا نزد آنان ببر.

زن او را نزد اهلان برد.

داود همین حکم را بچن آنان اجرا کرد و

خونیا و اموال مقتول را برایشان ثابت نمود و

به زن گفت: فرزندان را عایش الدین (پسین

زنده) بنام.

۱- باتوجه به اینکه عبارت پاراگراف ۱ ماده ۴۳ عام بوده و فقط دو ملاک ( ۱- تحت فرمان بودن و انتساب رفتار آنان به دولت ۲- تابع یک سیستم انضباطی داخلی بودن که قواعد حقوق بین الملل مجری در مخاصمات مسلحانه را لازم بخشد) را ارائه داده است پس میلیشیاها دسته های داوطلب که واجد این دو شرط هستند داخل در اصطلاح نیروهای مسلح در معنای عام می باشند. (چون دارای هردو ملاک هستند).

۲- ماده ۱ کنوانسیون چهارم ۱۹۰۷ میلادی معنای مضیق نیروهای مسلح (ارتش = army) را یکبار برده و نتیجتاً میلیشیاها و دسته های داوطلب را که در ارتش (نیروهای مسلح به معنای خاص) ادغام نشوند را داخل در نیروهای مسلح به معنای مضیق نداشته است.

۳- شماره های ۲ و ۳ قسمت (A) ماده ۴ کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ ژنو معنای خاص نیروهای مسلح را (ارتش = army) در نظر داشته اند چون به هردوی آنها (میلیشیاها یا ادغام شده و نشده در نیروهای مسلح) وضعیت زندانی جنگی اعطاء می کند. و می دانیم مقدم بر وضعیت زندانی جنگی دارا بودن وضعیت رزمندگی است و مقدم بر آن تلقی شدن به عنوان نیروهای مسلح (بجز در موارد خاص ...).

۴- همچنان که در بخش وضعیت رزمندگی بررسی خواهیم کرد پروتکل ۱۹۷۷ میلادی مؤخر بر اسناد فوق الذکر بوده که نیروهای مسلح را در معنای عام خود به کار برده نتیجتاً وضعیت رزمندگی را فقط به اعضای نیروهای مسلح خود اعطاء کرده و

وضعیت زندانی جنگی را نیز فقط به وضعیت رزمندگی اعطاء می کند پس میلیشیاها و دسته های داوطلب داخل در اصطلاح نیروهای مسلح در معنای عام خود باشند.

۵- نکته ابهام ماده ۵۰ پروتکل اول منضم می باشد که غیر نظامیان را اشخاصی دانسته که متعلق به دسته بندی شماره های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ قسمت الف ماده ۴ کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ میلادی و همچنین ماده ۴۳ پروتکل اول نباشد. آیا ذکر دو ماده ۴۳ و بندهای مختلف قسمت الف ماده ۴ بدین معنا است که این دو ماده حاوی دو مفهوم جداگانه هستند؟ آیا بدان معنی است که در ماده ۴۳ صحبتی از میلیشیاها و دسته های داوطلب نبوده ولی در شماره ۲ و ۳ ماده ۴ ذکر شده و بهمین خاطر بین آنها باواو عطف شده است نه با «یا» چون اگر به غیر از این بود دو جمله با حرف «یا» مرتبط می شدند. ولی باید بیان داشت که ذکر این دو ماده فقط به منظور تأکید است و به این معناییست که این دو ماده یکدیگر را تکمیل کنند. چرا که اگر این هدف مورد نظر بود نیاز به ذکر بند ۳ قسمت الف ماده ۴ نبود چون نیروهای نظامی منظم صریحاً در معنای ماده ۴۳ جای می گیرد پس ماده ۴۳ تعریفی عام را از نیروهای مسلح ارائه می دهد.

۲- وضعیت رزمندگی: بر طبق پاراگراف ۲ ماده ۴۳ پروتکل اول منضم تنها اعضای نیروهای مسلح به شرحی که در بالا بیان شد رزمنده هستند. (به استثنای پرسنل درمانی و مذهبی که خصوصاً به وسیله ماده ۳۳ کنوانسیون سوم ۱۹۴۹ میلادی ژنو حمایت شده اند) یعنی تنها این دسته از افراد حق مشارکت مستقیم در مخاصمه را دارند.

بنابراین عضویت در نیروهای مسلح یک پیش شرط لازم برای وضعیت رزمندگی است. بنابراین اگر شخصی که در مخاصمه شرکت می کند فاقد عنصر مقدماتی وضعیت رزمندگی باشد (یعنی عضویت در نیروهای مسلح)، اگر در دست دشمن اسیر شود نمی تواند از وضعیت ثانویه زندانی جنگی برخوردار شود.

پاراگراف ۱ ماده ۴۴ پروتکل منضم بیان می کند هر رزمنده (شرح ماده ۴۳) که در دست دشمن اسیر شود زندانی جنگی تلقی می شود. یعنی مقدم بر وضعیت زندانی جنگی وضعیت رزمندگی است. و مقدم بر آن عضو نیروهای مسلح بودن است.

پس نتیجتاً پاراگراف ۱ ماده ۴۳ اصطلاحی عام از نیروهای مسلح ارائه داده که شامل تمام رزمندگان طبق فرمول ارائه شده در ماده ۴۳ می باشد به استثنای شرکت کنندگان در Leve'e en masse. ادامه دارد.

Documents on the Laws of War. ed by Adam Roberts and richart cruelff clarendon press university 1989.p271

2 - Combatants and non combatants. Knut Ipsen, in the Handbook of humanitarian Law in armed conflicts. ed by dieter flecl in cellabaration with .....,oxford university press. 1995 p.65

3- Ipsen, Ibid p.10-71